

حکمرانی متعالی مبتنی بر پایداری در محیط زیست خلیج فارس چالش‌ها و الزامات

محسن عابدی درچه^۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۱۹

چکیده

در این پژوهش به بررسی چالش‌های محیط زیستی خلیج فارس و به‌طور ویژه بحران احداث جزایر مصنوعی توسط کشورهای حاشیه جنوبی آن در رویارویی با سبک حکمرانی پرداخته شده است. بر همین اساس با تبیین حکمرانی خوب و رابطه آن با توسعه پایدار، اصول حکمرانی مبتنی بر پایداری و تشریح چالش‌ها و الزامات حکمرانی مبتنی بر پایداری محیط زیست دریایی به بیان ظرفیت حکمرانی منطقه‌ای سازمان راپی در محیط‌زیست خلیج فارس همت گماشته شده است. سپس الزامات حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در محیط‌زیست خلیج فارس و الگوی حکمرانی متعالی در نهادینگی محیط زیست پایدار این منطقه بحث شده است. این پژوهش با هدف تحریک حکمرانان در مقیاس‌های مختلف برای انجام وظایف و مسئولیت‌های خود برای رویارویی با احداث بناهای غیرقانونی و مخالف با اصول زیست پایدار در خلیج فارس و اجبار حکمرانان متخلف به پاسخگویی است. این پژوهش از نوع کاربردی و از حیث ماهیت توصیفی - تحلیلی است. جمع‌آوری اطلاعات با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است. همچنین برای تهیه نقشه‌های مناطق مورد مطالعه از نرم‌افزارهای ArcMap و Snagit استفاده شده است. بر همین اساس مشخص شد که ساز و کار قانونی برای برخورد با متخلفان محیط زیست دریایی در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی وجود دارد. اما ناکارآمدی حکمرانان مانع از اجرای حکمرانی متعالی شده است. بنابراین، در صورت برخورد نکردن قانونی با کشورها و حاکمان متخلف توسط حکمرانان در مقیاس‌های مختلف از جهانی تا محلی، آینده محیط زیست دریایی خلیج فارس با خطر جدی روبه‌رو خواهد شد.

واژگان کلیدی: محیط زیست، پایداری، حکمرانی متعالی، خلیج فارس، دریای عمان، مقیاس

مقدمه

کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در اوایل قرن بیست و یکم به فکر توسعه صنعت گردشگری، اکوتوریسم و تجارت حاصل از احداث جزایر مصنوعی افتادند. با این شرایط خلیج فارس به عنوان یک اکوسیستم منحصربه‌فرد و نیز یک آبراه حیاتی و بین‌المللی با اجرای طرح‌های توسعه‌ای که پیوست محیط زیستی ندارد، تنها سبب به خطر افتادن توسعه پایدار در منطقه خواهد شد؛ اما سازمان منطقه‌ای کویت که با هدف حفاظت از محیط زیست دریایی تشکیل شد، نقش و مسئولیت محیط زیستی دارد و براساس اهداف، وظایف، پروتکل‌ها و مواد قانونی کنوانسیون می‌تواند احیاگر این پهنه آبی در زمینه محیط زیست دریایی باشد، که البته ساز و کار قانونی آن چه از لحاظ ساختار و سازمان مانند شورا و کمیسیون قضائی و چه از لحاظ جنبه‌های قانونی در راپمی وجود دارد و تنها با وجود اراده در اعضای آن این امر دست‌یافتنی خواهد شد. در همین راستا دولت مردان جمهوری اسلامی ایران با مسئولیت محیط زیستی، باید براساس اسناد و پروتکل‌های این سازمان طرحی مبتنی بر پیشگیری و جلوگیری از ادامه روند احداث جزایر مصنوعی را در راپمی مطرح و با کمک کشورهای عراق، کویت و عربستان و دیگر سازمان‌های بین‌المللی محیط زیستی دعاوی خود را در برابر فعالیت کشورهایمانند قطر، بحرین و امارات متحده عربی دنبال کنند. چنین اقداماتی از این کشورها برای احداث جزایر مصنوعی و تخریب محیط زیست طبیعی و تهدید توسعه پایدار خلیج فارس در آینده، زندگی را برای جانداران ساکن خلیج فارس و افراد بشر در حاشیه آن به خطر خواهد انداخت (عابدی درچه و احمدی، ۱۴۰۰: ۱۴).

نقش و اهمیت پهنه‌های آبی مانند اقیانوس‌ها، دریاها و خلیج‌ها در حمل و نقل دریایی، ماهیگیری، تأمین منابع بارزش انرژی مانند نفت و گاز، ذخایر عظیم معدنی، گردشگری و دیگر فعالیت‌های اقتصادی بر هیچ کشی پوشیده نیست. در همین رابطه حفاظت و حمایت از این پهنه‌های آبی در برابر آلودگی‌های زیست‌محیطی بر همه آشکار و فرض است. خلیج فارس هم از این قاعده کلی مستثنی نیست؛ بلکه با ویژگی‌هایی مانند نیمه‌بسته بودن آن، حجم پایین میزان جابجایی و تبادل آب با دریای عمان و اقیانوس هند، کمبود ورود آب شیرین و تمیز از رودخانه‌های ورودی، کافی نبودن میزان بارندگی سالانه و تبخیر بسیار زیاد آب، به‌طور طبیعی توان ظرفیت خلیج فارس را برای خودپالایی از آلودگی‌های زیست‌محیطی کاهش داده است. به همین دلیل لزوم اهمیت محیط زیست خلیج فارس برای همه کشورهای همسایه این منبع عظیم و سرشار

از موهبت‌های بزرگ خدادادی آشکار است؛ اما برخی از کشورها به دلیل نداشتن درک صحیح از توسعه و توسعه پایدار، با هدف توسعه اقتصادی و جذب گردشگران، تجار و غیره دست به ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس زده‌اند (وفایی و الوندی، ۱۳۹۴؛ www.doe.ir).

وینر (۲۰۰۰) آسیب‌های ناشی از «حکمرانی ضعیف» را آلودگی محیط زیست و آسیب‌زدن به زمین‌های کشاورزی، آب، معادن و سوخت می‌داند. به باور وی، آسیب دیگر حکمرانی ضعیف، ناتوانی دولت در تأمین امنیت و حفظ حقوق انسان‌هاست؛ اما تأثیرات محیطی «حکمرانی بسیار قوی» کمتر شناخته شده است که از جمله آن می‌توان به نابرابری در حوزه‌های گوناگون مانند تأمین اجتماعی اشاره کرد (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱: ۱۳۵)؛ بنابراین، حکمرانی قوی در رویارویی با خطرات محیط زیستی در مقیاس‌های مختلف، موضعی منفعلانه و تسامحی ندارد، بلکه با اتخاذ موضعی طلبکارانه، سعی در حفظ و ایجاد محیطی پایدار برای همه موجودات زنده دارد. حادثه ناگواری که با حکمرانی ضعیف در مقیاس منطقه‌ای و ملی از حدود دو دهه قبل در خلیج فارس و دریای عمان اتفاق افتاد، رقابت بر سر احداث جزایر مصنوعی بود. طرح‌های جزایر مصنوعی نخیل (پالم)، طرح جهان (العالم) و آب‌کنار دبی، النجوم شارجه، القصر رأس‌الخیمه، السعديات ابوظبی و جزیره مصنوعی یاس در حوالی ابوظبی در امارات متحده عربی، مروارید قطر، موج عمان و دیورات، امواج و ماهی بحرین از آن جمله است. بر این اساس دغدغه این پژوهش تحریک حکمرانان در مقیاس‌های مختلف از سازمان‌های جهانی و بین‌المللی تا منطقه‌ای و ملی در سه بخش دولتی، خصوص و مدنی برای مسئولیت‌پذیری، نظارت، حاکمیت قانون، انصاف و عدالت‌محوری در استفاده از محیط زیست، مبارزه با فساد در احداث بناهای غیرقانونی و مخالف با اصول زیست پایدار و اجبار حکمرانان متخلف به پاسخگویی است.

مبانی نظری و پیشینه تجربی

مبانی نظری

حکمرانی و حکمرانی مبتنی بر پایداری

تعریف «حکمرانی» یکی از کهن‌ترین و جدیدترین واژه‌ها در مطالعه علم سیاست است (هداوند، ۱۳۸۴: ۵۲؛ ابوالحسنی، ۱۳۹۱: ۹ - ۸). فرهنگ فارسی معین در تعریف حکمران و حکمفرما واژگان مترادفی مانند «حاکم، والی، فرمانروا، حکمران» را آورده است (معین، ۱۳۸۷: ۴۱۶). مفهوم حکمروایی در زبان فارسی «حکم روا کردن» و یا «حکم روا داشتن» و معنای حکمرانی،

«حکم‌راندن» است (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۰۲). حکمرانی در لغت به معنای حکومت، فرمانروایی، راهبری و حکمرانی تعریف شده است (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۷۹: ۶۸۹). حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم کارها است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود (زهیری، ۱۳۹۷: ۶۶؛ Johnson, ۱۹۹۷: ۹). حکمرانی به معنای اداره و تنظیم امور جامعه به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان مرتبط می‌شود. در واقع، فرایندها و نهادها و کارگزارانی که تصمیمات مقتضی را اتخاذ و اقتدار حاکمیتی را در یک کشور اعمال می‌کنند، به نوعی حکمرانی انجام می‌دهند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹). در واقع حکمرانی را می‌توان به نوعی اعمال مدیریت، رهبری و فرماندهی بر مجموعه‌ای از انسان‌ها در سطوح مختلف از خرد تا کلان براساس وضع قوانین و مقررات در امورات گوناگون جامعه مانند اقتصاد، فرهنگ، امنیت، امور اجتماعی و دیگر شئون یک کشور برای دستیابی به هدفی که از قبل ترسیم شده است، دانست (عابدی درجه، ۱۳۹۸: ۱۲۰). یکی از این شئون که وضع قوانین و مقررات و اعمال نظارت همگانی و سازمانی در آن اهمیت زیادی دارد، محیط زیست است. در ادبیات غرب توسعه و در ادبیات اسلامی پیشرفت، تعابیری است که در ارتباط با محیط زیست و پایداری آن مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، در بیشتر طرح‌ها و احداثات در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی، پیوست محیط زیست با رویکرد پایداری آن برای آیندگان یکی از مباحث اساسی است.

پایداری، توسعه متوازن و متناسب در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، بوم‌شناختی و سیاسی را شامل می‌شود. در اثر این تناسب در نهادها و بخش‌های یادشده نسبت به اجرایی کردن تصمیمات تعهد به وجود می‌آید و در همه ابعاد، توسعه متناسب و پایدار ایجاد می‌شود. براساس این مبانی و باتوجه به ترکیب دو عبارت «حکمرانی» و «پایداری» می‌توان حکمرانی مبتنی بر پایداری را این‌گونه تعریف کرد: حکمرانی به معنی توزیع قدرت بین بخش‌های مختلف اجتماع و دخالت دادن آنها در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی است؛ این بخش‌ها عبارت است از: بخش‌های دولتی، خصوصی و نهادهای مدنی (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱: ۱۳۸ - ۱۳۷). آنچه در توسعه مد نظر است پایداری بودن آن است و آنچه در پیشرفت معیار قرار می‌گیرد عدالت‌محوری در اجرا آن است. تفاوت اصلی دو رویکرد حکمرانی خوب و حکمرانی متعالی هم در همین وجه تمایز است. در صورتی که در اجرای تصمیمات دولتی «اصل عدالت» مورد توجه قرار گیرد، پیشرفت نیز متناسب و متوازن انجام خواهد شد. پیشرفت متوازن و متناسب نیز سبب پایداری محیط زیست می‌شود.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی و از حیث ماهیت براساس روش توصیفی - تحلیلی است. جمع‌آوری اطلاعات نیز با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و به‌طور خاص سایت رسمی سازمان منطقه‌ای حفاظت از محیط زیست دریایی (راپمی) انجام شده است. هم‌چنین برای تهیه نقشه‌های مناطق مورد مطالعه از نرم‌افزارهای ArcMap و Snagit استفاده شده است. هدف پژوهش بررسی نقش و مسئولیت زیست‌محیطی سازمان منطقه‌ای راپمی در برابر احداث جزایر مصنوعی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و دریای عمان است.



نقشه ۱. محدوده کشورهای مورد مطالعه در حاشیه خلیج فارس؛ (ترسیم: نگارنده)

منطقه مورد مطالعه

بیشتر جزایر جدید آسیا مصنوعی است و برای ساخت فرودگاه و بندر مورد استفاده قرار گرفته است. با وجود این، جزایری مانند جزایر نخیل امارات متحده عربی، علاوه بر اهداف یادشده، برای فعالیت‌های گردشگری و تجاری نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. جزایر مصنوعی هم‌چنین برای احیا و پناه‌گاه زیست‌محیطی نیز ایجاد شده است (Rabionet, ۲۰۰۸). منطقه خلیج فارس حدود ۱۳۰ جزیره بزرگ و کوچک دارد. جزایر شمالی آن همه در مالکیت و حاکمیت ایران و کم و بیش مسکونی و آباد است در حالی که جزایر جنوب و شمال غرب که متعلق به کشورهای عربی است بیشتر مرجانی و سنگی و غیرمسکونی است (مستوفی‌الممالکی و گورانی، ۱۳۸۸). بر اساس ماده دوم کنوانسیون منطقه‌ای کویت، گسترش منطقه دریایی راپمی ۵ به ترتیب بین عرض‌های جغرافیایی و طول‌های جغرافیای زیر تعریف می‌شود: ۱۶ درجه و ۳۹ دقیقه شمالی تا ۵۳ درجه و ۳ دقیقه و ۳۰ ثانیه شرقی؛ ۱۶ درجه شمالی تا ۵۳ درجه و ۲۵ دقیقه شرقی؛ ۱۷ درجه شمالی تا ۵۳ درجه و

۳۰ دقیقه شرقی؛ ۲۰ درجه و ۳۰ دقیقه شمالی تا ۶۰ درجه شرقی و ۲۵ درجه و ۴ دقیقه شمالی تا ۶۱ درجه و ۲۵ دقیقه شرقی (www.ropme.org). محیط و محدوده مورد مطالعه چهار کشور حاشیه جنوبی خلیج فارس و دریای عمان شامل: بحرین، قطر، عمان و به طور ویژه امارات متحده عربی است (عابدی درچه و احمدی، ۱۴۰۰: ۴). حوزه آبی خلیج فارس به عنوان یک قطعه جغرافیایی، در مقیاسی محدود است که در مطالعات جغرافیای سیاسی آن را مقیاس منطقه‌ای می‌نامند. هر چند این منطقه خود در داخل مقیاس‌های بزرگ‌تر تا مقیاس جهانی و مقیاس‌های خرد تا مقیاس محلی قابل مطالعه و بررسی است؛ بنابراین، مطالعات این پهنه آبی از مقیاس منطقه‌ای در محدوده کشورهای حاشیه خلیج فارس، تا مقیاس ملی برای هر کشور به صورت جداگانه و نیز در مقیاس‌های دیگر امکان تجزیه و تحلیل دارد.

یافته‌های پژوهش

حکمرانی خوب و رابطه آن با توسعه پایدار

حکمرانی خوب و توسعه پایدار وجوه کلیدی مشترکی دارند: هدف هر دو گسترش مشارکت عمومی است؛ هر دو محیطی ایجاد می‌کنند که در آن دولت‌ها، سازمان‌های اجتماعی، بخش خصوصی و افراد بتوانند در برنامه‌ریزی و مدیریت جامعه مشارکت فعال داشته باشند. در هر دو مورد، مردمسالاری انتخاباتی، پاسخگویی همه‌جانبه، تصمیم‌گیری و مسئولیت همه ذی‌نفع‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. هر دو هم فرایندگرا و هم نتیجه‌گرا هستند. دستیابی به حکمرانی خوب و پایداری، مستلزم رویکردهای شفاف و مطلوب تصمیم‌گیری و هم‌چنین وجود سامانه برنامه‌ریزی و نظارت همه‌جانبه و مستمر است. حکمرانی خوب پاسخگویی، شفافیت، کارایی و قانون‌محوری را در همه سطوح ارتقا می‌دهد و مدیریت منابع انسانی، طبیعی، اقتصادی و مالی مناسب و کارا را برای توسعه عادلانه و پایدار امکان‌پذیر می‌سازد. با این حال توافق جهانی بر این است که حکمرانی خوب تحت قواعد مشخصی سبب توسعه پایدار می‌شود (Bell & Andrew, ۲۰۰۹: ۱۹; Martia & Durwood, ۲۰۰۰: ۲۱۵). اما آیا حکمرانی خوب در دستیابی به توسعه پایدار موفق عمل کرده است یا نه؟ ابهام در پاسخ به این سؤال ذهن را متوجه سؤال‌های دیگر می‌کند از جمله اینکه حکمرانی خوب تا چه حد به عنوان راهبرد مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی برای دستیابی به توسعه پایدار در بسترهای فرهنگی گوناگون امکان تحقق دارد؟ آیا با اصول و

ویژگی‌های مشابه در کشورهایی با فرهنگ‌های گوناگون عملی است؟ (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱: ۱۲۵). برخی دیگر معتقدند، به دلیل اینکه حکمرانی خوب به کشورهای غرب تعلق دارد و برخاسته از متن فرهنگ سرمایه‌داری است، در به‌کارگیری آن در متن‌های دیگر باید تردید کرد؛ زیرا عده‌ای بر این باورند که این راهبرد روش جدیدی برای محدودکردن دولت و سلطه تفکر سرمایه‌داری است و کارآمدی لازم را در دیگر کشورها ندارد؛ به‌ویژه کشورهایی که از ویژگی‌های فرهنگی کشورهای غربی دور هستند (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۴: ۶۷). بنابراین، سؤال‌ها و ابهام‌ها در اینکه «حکمرانی خوب سبب توسعه پایدار می‌شود»، تردید ایجاد می‌کند. در نتیجه «حکمرانی خوب لزوماً سبب توسعه پایدار نمی‌شود» (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۸۵: ۸). زاهدی و ابراهیم‌پور در این کتاب شیوه حکمرانی مبتنی بر پایداری را پیشنهاد می‌کنند؛ اما این شیوه نیز تک‌بعدی است و فقط ساحت دنیایی حکمرانی را مدنظر قرار داده و از ساحت اخروی جوامع بشری غافل مانده است. آنها در نقد حکمرانی خوب می‌نویسند: «امروزه حکمرانی خوب باتوجه به مبانی نظری تحمیلی از سوی نهادهای بین‌المللی و بی‌توجهی به فرهنگ‌های گوناگون در تدوین و ارائه این شیوه حکمرانی و تصور و تلقی ظهور سرمایه‌داری در لباس جدید مورد نقد قرار می‌گیرد و روند نقادی در این حوزه در حال گسترش است. از این‌رو، محیط کنونی کشورها و روند حاکم بر جهان ایجاب می‌کند تا برای پاسخ به ناپایداری ناشی از حاکمیت پارادایم‌های دولت بزرگ، دولت کوچک، دولت کارساز و دولت مردمسالار، شکل دیگری از دولت و حکمرانی (که از آن با عنوان «حکمرانی پایداری» یاد می‌شود) جستجو شود تا ضمن پوشش ضعف‌های پارادایم‌های قبلی، بتواند در راستای تحقق هدف‌های پایداری عمل کند» (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱: ۱۲۸). شواهد و قرائن حاکی از این مطلب مهم است که رویکرد حکمرانی خوب با تمام ویژگی‌ها، ساختارها و ابزار در دسترس و فراگیری در بین بیشتر کشورهای جهان توانسته در برابر توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست و اجماع‌سازی عمومی در بخش‌های دولتی، خصوصی و مدنی نقش اساسی خود را در تحقق بخشی به این امر خطیر ایفا کند.

اصول حکمرانی مبتنی بر پایداری

در این زمینه، سجیس اصول اجتماعی مدیریت توسعه پایدار را ارائه کرده که عبارت است از: نگرش بین‌بخشی، مشارکت اجتماعی، آینده‌نگری، استفاده اثربخش از منابع طبیعی، ارزیابی تأثیر فعالیت‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی و برنامه‌ریزی و تفکر کل‌گرا (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱:

۱۳۸). اصول حکمرانی مبتنی بر پایداری عبارت است از: اصل پاسخگویی، اصل مشارکت، توجه به معیارهای چندبعدی در تصمیم‌گیری، اصل پیشگیری، تحلیل هزینه - فایده در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و بوم‌شناختی و اصل مدیریت انعطاف‌پذیر (Costanza, ۱۹۹۸: ۵۱۲; Clemens, ۲۰۰۳, ۱۲; Wiener, ۲۰۰۰: ۲۵). هدف حکمرانی مبتنی بر پایداری توسعه حوزه‌های چندگانه است. دامنه بخش‌های مختلف اجتماعی از مکانی به مکان دیگر و از زمانی به زمان دیگر متفاوت است و راهکار مناسب، راهکاری نیست که در همه حوزه‌ها یکسان عمل کند؛ بلکه حوزه‌ها و مناطق مختلف شیوه‌های متفاوتی را طلب می‌کند که نیاز به طراحی دوباره شیوه‌های حکمرانی دارد تا راهکارهای گوناگون به مقتضای شرایط مشخص شود (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱: ۱۳۳). اندو و انگفرت معتقدند که حکمرانی مبتنی بر پایداری در همه سطوح کلیدی برای واقعی کردن هدف‌های توسعه پایدار ضروری است. برای ارزیابی حکمرانی مبتنی بر پایداری باید به موضوعات زیر توجه شود: ۱. تضمین یکپارچگی و ترکیب خط‌مشی‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی ۲. تقویت اجرا، نظارت و پاسخگویی ۳. محدود کردن فعالیت‌های تکراری و متداخل ۴. ارتقای مشارکت؛ تقویت ظرفیت‌های ملی برای توسعه پایدار (Clemens, ۲۰۰۳: ۲۴)؛ بنابراین حکمرانی مبتنی بر پایداری از دیدگاه اندیشمندان غربی، تقریباً از همان اصول حاکم بر رویکرد حکمرانی خوب پیروی می‌کند. از همین‌رو این اصول با نگرشی مادی‌انگارانه و با دیدگاهی متأثر از ساحت دنیوی انسان‌ها بر پایداری محیط زیست متمرکز می‌شود. حال آن که محیط زیست و جانداران موجود در آن بخشی از دنیای زنده هستند که نه فقط انسان‌ها، بلکه همه حیوانات، گیاهان و موجودات زنده در طبیعت حقوقی دارند، که انسان‌ها موظف به حفظ و احترام به آنها هستند. وجه تمایز اصول حکمرانی خوب و حکمرانی مبتنی بر پایداری با نگرش غربی با حکمرانی متعالی از دیدگاه اسلام همین تک‌ساحتی بودن دیدگاه غربی و دوساحتی بودن دیدگاه اسلامی است.



شکل ۱. اصول هفت‌گانه حکمرانی مبتنی بر پایداری از دیدگاه دانشمندان غربی (منبع: نگارنده)

چالش‌ها و الزامات حکمرانی مبتنی بر پایداری محیط‌زیست

در برابر حکمرانی پایداری، حکمرانی ناپایداری قرار دارد. برخی از ویژگی‌های حکمرانی ناپایداری که نتیجه اجرای بد سیاست‌های خصوصی‌سازی، حکمرانی خوب و توسعه پایدار است عبارت است از: اصل قرارگرفتن سرمایه اقتصادی و بی‌توجهی به سرمایه‌های دیگر از جمله سرمایه‌های اجتماعی و محیطی؛ محور قرارگرفتن رشد به جای توسعه؛ توجه افراطی به سودآوری به عنوان شاخص موفقیت؛ پاسخگونبودن؛ حاکمیت پارادایم‌های فناورمحور و زیست‌بوم‌محوری به جای مدیریت توسعه پایدار؛ تلقی از دولت به عنوان عامل تهیه و توزیع کالاها و خدمات؛ استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی؛ این مؤلفه‌ها تحت تأثیر نظریه‌های لیبرالیستی (پیشینه‌کردن درآمد) و نئولیبرالیستی (نظریه انتخاب عمومی و خصوصی‌سازی) بحران‌های محیط‌زیستی و اجتماعی متعددی را به وجود آورد (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۸۵: ۲۰). این مسائل و مشکلات مانند آن به شکل‌گیری رویکرد جدیدی با عنوان «حکمرانی پایداری» منجر شد که پارادایم جدیدی در حکمرانی به‌شمار می‌رود و باور بر این است که کارآمدتر از حکمرانی خوب است و می‌تواند زمینه را برای توسعه پایدار و متناسب فراهم کند. چهار حوزه اساسی اجتماعی، محیطی، سازمانی

و مالی برای پایداری وجود دارد. توجه به تأثیر این چهار حوزه برای دستیابی به پایداری و چالش‌های موجود ضروری است (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱: ۱۳۱-۱۳۰؛ Aras & David, ۲۰۰۸: ۴۳۳-۴۴۸). امروزه جهان با چالش‌ها و بحران‌های کاملاً مرتبط با هم همچون فقر، نابرابری، آلودگی محیطی و تهدید صلح و امنیت جهانی روبه‌رو است. بدیهی است که حکومت‌ها با نظام‌های سنتی موجود نمی‌توانند به چالش‌های پایداری پاسخ دهند و لازم است تغییراتی در وضع موجود ایجاد شود. ظهور سازمان‌های ترکیبی Mixed Organization برای آسان‌سازی در دستیابی به پایداری در زمره این تغییرات است. این سازمان‌های ترکیبی ویژگی‌های سه بخش را با خود دارند: افق بلندمدت و نظارت مطلوب بخش دولتی؛ خلاقیت و پویایی بخش خصوصی؛ دلسوزی، تعهد و اعتماد بخش مدنی یا غیرانتفاعی (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱: ۱۳۲-۱۳۱). در این میان، یکی از چالش‌های محیط زیستی در منطقه خلیج فارس، ایجاد جزایر مصنوعی در این پهنه آبی است. حکمرانی ضعیف و منفعلانه مسئولان و پاسخگویان در مقیاس‌های گوناگون، سبب تشدید بحران آلودگی محیط زیست در زیست‌بوم‌های طبیعی شده است.

ساخت جزایر مصنوعی توسط برخی از کشورهای منطقه راپمی می‌تواند پیامدهایی مانند تخریب سواحل مرجانی، تغییر مسیر جریان‌های آبی (که پس از ورود از سواحل شمالی تنگه هرمز و خلیج فارس بر خلاف حرکت عقربه‌های ساعت از سواحل جنوبی خلیج فارس از تنگه هرمز خارج می‌شود)، کثیف کردن آب توسط گل و لای حاصل از ساخت جزایر، دشوار کردن زندگی زیست‌گونه‌های جانوری خلیج فارس مانند منابع زنده منحصربه‌فرد، جلبک‌ها، گیاهان دریایی و جنگل‌های حرا، تغییر الگوی جریانان جذر و مدی در سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس، رسوب‌گذاری دریا در پشت جزایر مصنوعی، تغییرات تأثیر امواج، افزایش روند ریزش فاضلاب و پسماندهای انسانی را به‌همراه داشته باشد (عابدی‌درچه و احمدی، ۱۴۰۰: ۷). بر همین اساس، سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، سازمان بهداشت جهانی و دیگر نهادهای بین‌المللی در مقیاس جهانی، نقش حکمرانی خود در زمینه حکمرانی مبتنی بر پایداری محیط زیست را در مناطق مختلف جهان و به‌طور خاص منطقه خلیج فارس و دریای عمان در برابر توسعه ناپایدار و ایجاد جزایر مصنوعی توسط کشورهای عربی انجام نداده‌اند. هم‌چنین سازمان منطقه‌ای برای حفاظت از محیط زیست دریایی (راپمی)، واقع در کشور کویت که یک سازمان در مقیاس منطقه‌ای است، براساس حکمرانی منطقه‌ای کشورهای عضو شامل بحرین، ایران، عراق، کویت،

عمان، قطر، عربستان و امارات متحدهٔ عربی، ساختار مناسبی برای حکمرانی پایدار در محیط آبی خلیج فارس است. این سازمان با هدف حفاظت از محیط زیست دریایی برای رویارویی با هرگونه آلودگی محیطی توسط هر بازیگر داخلی و خارجی این امکان و ظرفیت را دارد تا با ابزارهای قانونی خود حکمرانی محیط زیستی خود را با اعمال حاکمیت در این پهنهٔ آبی در راستای حفاظت و سالم‌سازی آن آسان و فراهم کند.

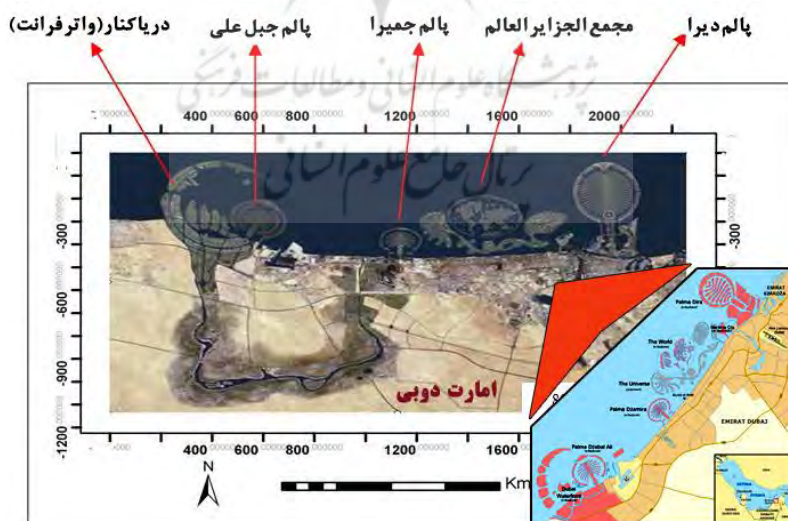
در رویکردی دیگر چهار الزام اساسی در زمینهٔ پایداری ارائه شده است که هر یک چالش‌هایی را برای جوامع طرح می‌کند. این چهار الزام عبارت است از: ۱. الزامات محیطی: حفاظت از محیط ۲. الزامات اجتماعی: برقراری عدالت میان مردم کشورهای گوناگون و مردم درون یک کشور، رفع تبعیض جنسیتی، عدالت طبقاتی و غیره ۳. الزامات سیاسی: تضمین مشارکت سیاسی ۴. الزامات اقتصادی: تأمین حیات اقتصادی (Aras & David, ۲۰۰۸: ۴۳۳- ۴۴۸). به دیگر سخن، الزامات حکمرانی مبتنی بر پایداری محیط زیست، به‌ویژه پهنهٔ آبی خلیج فارس را می‌توان در چهار مؤلفهٔ الزامات محیطی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تشریح کرد. الزامات محیطی ناظر بر حفاظت از محیط زیست خلیج فارس برای انسان‌های بهره‌بردار، ساکن و همسایه این محیط دریایی و دیگر موجودات و جانداران این زیست‌بوم است. این الزامات شامل حفاظت دریا از احداثات غیراصولی و غیرمنطقی مانند جزایر مصنوعی است. الزامات اجتماعی عبارت است از عدالت‌محوری در زمینهٔ استفادهٔ عادلانه همهٔ کشورها، رفع تبعیض در بهره‌برداری و اقدامات مبتنی بر فرهنگ انسانی در مورد بکارگیری منابع طبیعی که در اختیار انسان‌ها قرار گرفته است. الزامات سیاسی معطوف به مشارکت سیاسی همهٔ سازمان‌های جهانی، بین‌المللی، منطقه‌ای و کشورها در زمینهٔ حفظ و نگهداری محیط زیست دریایی در برابر چالش‌ها و بحران‌های محیط‌زیستی است که موجودات زنده را تهدید می‌کند. الزامات اقتصادی نیز شامل در نظر گرفتن همهٔ ملاحظات است که احداث چنین جزایری سبب ایجاد بحران‌ها و چالش‌های اقتصادی مانند افزایش هزینهٔ شیرین کردن آب، از بین بردن مواد مغذی دریا شامل انواع ماهی‌ها و حفظ و نگهداری محیط زیست دریا می‌شود.

ظرفیت حکمرانی منطقه‌ای سازمان راپمی در محیط‌زیست خلیج فارس

پس از تشکیل کنفرانس منطقه‌ای حفاظت و توسعه از محیط زیست دریایی و نواحی ساحلی خلیج فارس و دریای عمان و به تصویب رسیدن ساختار و سازمان کنوانسیون، اهداف، پروتکل‌ها و مواد سی‌گانهٔ قانونی آن؛ محل استقرار دائمی راپمی در کشور کویت تشکیل شد؛ اما پس از گذشت

حدود دو دهه از تشکیل کنوانسیون منطقه‌ای کویت و از سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس که با فقر جزایر در خلیج فارس روبه‌رو بودند اقدام به ساخت جزایر مصنوعی کردند. این ساخت و سازها به استناد مواد قانونی شماره یک، شش و هشت کنوانسیون منطقه‌ای حفاظت و توسعه از محیط زیست دریایی و نواحی ساحلی خلیج فارس و دریای عمان، شامل تخلف محیط زیستی است. در این میان یکی از پنج معاونت سازمان حفاظت محیط زیست ایران، معاونت محیط زیست دریایی است. تحت عنوان این معاونت، سه کنوانسیون به فعالیت‌های محیط‌زیستی مشغول است که عبارت است از: کنوانسیون لندن، سازمان منطقه‌ای برای حفاظت از محیط زیست دریایی (راپمی)، برنامه محیط زیست خزر (کنوانسیون تهران). از آنجا که نقش و مسئولیت سازمان منطقه‌ای راپمی و یا سازمان منطقه‌ای برای حفاظت از محیط زیست دریایی موضوع ساختاری است؛ لذا مسئله و دغدغه این است که آیا با وجود کنوانسیونی با عنوان سازمان منطقه‌ای برای حفاظت از محیط زیست دریایی (راپمی) در معاونت محیط زیست دریایی سازمان حفاظت محیط زیست جمهوری اسلامی ایران و همچنین وجود سازوکارهای گوناگون قانونی، حقوقی، زیست‌محیطی و غیره که در این کنوانسیون و کنوانسیون حقوق دریاها هست، چرا تاکنون جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه راپمی که اقدامی در زمینه ساخت جزایر مصنوعی نکرده‌اند، هیچ‌گونه فعالیتی در زمینه پیشگیری و جلوگیری از ساخت‌وساز جزایر قارچ‌گونه مصنوعی در مجامع قانونی نکرده‌اند؟ این در حالی است که در صورت وجود اراده دولتمردان در عرصه محیط زیستی و قانونی کشورهای منطقه و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران و نقش و مسئولیتی که برای حفاظت از محیط زیست دریایی برای آنها تعریف شده است، تمام ابزار و روش‌های قانونی با هدف جلوگیری از این دست فعالیت‌ها در کنوانسیون مورد اشاره که خود این کشورها عضو و متعهد آن هستند، نهاده شده است (عابدی درچه و احمدی، ۱۴۰۰: ۳). در حقوق بین‌الملل ساخت جزایر مصنوعی ممنوع نشده است؛ اما در کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ که بیشتر قواعد حقوقی مربوط به دریاها را در بر می‌گیرد ساخت جزایر مصنوعی بیشتر برای کارهای پژوهشی و اکتشافی مورد نظر بوده است. باتوجه به آثار زیست‌محیطی طرح‌های ساخت جزایر مصنوعی، اصول حقوق بین‌المللی جدید مانند «اصل توسعه پایدار» و «اصل تدابیر احتیاطی پیش از عمل» باید از سوی کشورهای سازنده و مالک جزایر مصنوعی رعایت شود. از این‌رو دولت امارات متحده عربی بر پایه موازین بین‌المللی موظف است

که به نگرانی‌های دولت‌های همسایه توجه کند و گام‌های فوری در راه زدودن این نگرانی‌ها بردارد و تا از میان نرفتن این نگرانی‌ها در ساخت جزایر مصنوعی درنگ کند (امیدی، ۱۳۸۶)؛ لذا باتوجه به قوانین سازمان منطقه‌ای کویت مبنی بر درخواست تشکیل جلسه، جلسات فوق‌العاده شورا باید به درخواست حداقل یک دولت متعهد برگزار شود و یا بنا به درخواست دبیر اجرایی توسط حداقل دو متعهد تأیید شود. با این وجود، جمهوری اسلامی ایران با درخواست جلسه‌ای فوق‌العاده برای بررسی بررسی آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از احداث جزایر مصنوعی و با متقاعدکردن عضوی دیگر مانند کشور عراق می‌تواند گامی مهم در این راستا بردارد (عابدی درچه و احمدی، ۱۴۰۰: ۱۳). امروزه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به شکل بی‌مهابا دست به ساخت‌وساز جزیره‌های مصنوعی زده‌اند. طرح‌های جزایر نخیل (پالم)، طرح جهان (العالم) و آب‌کنار دبی، النجوم شارجه، القصر رأس‌النخیمه، السعدیات ابوظبی و جزیره مصنوعی یاس در حوالی ابوظبی در امارات متحده عربی، مروارید قطر، موج عمان و دیورات، امواج و ماهی بحرین از جمله این جزایر مصنوعی است (عابدی درچه و براتی، ۱۳۹۳: ۲)؛ بنابراین، کشورهای امارات متحده عربی در قالب امارت‌های هفت‌گانه ابوظبی، دبی، شارجه، عجمان، ام‌القوین، رأس‌النخیمه و فجیره؛ قطر؛ عمان و بحرین به عنوان ناقضان حقوق همسایگان و کشورهای هم‌مرز با خلیج فارس و دریای عمان، موظف به پاسخگویی در برابر اقدامات تخریبی خود در این منطقه جغرافیایی است.



نقشه ۲. جزایر مصنوعی دبی در امارات (منبع: نگارنده)



نقشه ۳. جزایر مصنوعی رأس الخیمه و ابوظبی در امارات (منبع: نگارنده)



نقشه ۴. جزایر مصنوعی شمال شرقی بحرین (امواج، المحرق و دلمونیا)، جنوب شرقی بحرین (دیورات)، شمال

بحرین (ماهی)؛ (منبع: نگارنده)



نقشه ۵. جزیره مصنوعی مروارید قطر؛ (منبع: نگارنده)



نقشه ۶. جزیره مصنوعی موج عمان: (منبع: نگارنده)

الزامات حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در محیط‌زیست خلیج فارس

کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در اوایل قرن بیست و یکم به دلیل کاهش ذخایر منابع نفت و گاز در سال‌های آینده به فکر توسعه صنعت گردشگری و اکوتوریسم افتادند. اما وسعت کم سرزمین، کمبود منابع آب مناسب در داخل و طول کم سواحل در خلیج فارس آنها را بر آن داشته تا از سواحل محدود خود در خلیج فارس با ساخت جزایر مصنوعی به نحو احسن استفاده کنند. اضافه بر این که کشوری مانند امارات در خیال خود، قصد دارد با ازدیاد طول مرزهای آبی نسبت به ایران، حرف خود را در مجامع بین‌المللی نسبت به جزایر سه‌گانه به گُرسی بنشاند. ساخت و توسعه چنین جزایری، ممکن است در کوتاه‌مدت جاذب اکوتوریسم بوده و چشم بینندگان را به تماشای خود واداشته و عوایدی را به‌همراه داشته باشد؛ اما این در صورتی است که نگاهی به آینده وجود نداشته باشد. برای کشوری مانند جمهوری اسلامی ایران با آن قدمت و آینده‌نگری؛ امری بعید است که جزایر طبیعی و خدادادی خود را در سواحل جنوبی به امان خدا رها کند و به فکر ساخت جزایر مصنوعی باشد. البته شرایط کشورها با هم متفاوت است و شاید کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به‌منظور خروج از تنگنا و بحران‌های آینده خود چنین راهبردی را اتخاذ کرده‌اند. لیکن ساخت جزایر مصنوعی علاوه بر مشکلات زیست‌محیطی فراوان، شامل قوانین سواحل به لحاظ حقوق بین‌الملل نشده و حامل هزینه‌های سنگین اقتصادی است که هیچ آینده‌روشنی را نیز دربر ندارد. با این وجود کشور جمهوری اسلامی ایران باید با سرمایه‌گذاری روی جزایر طبیعی خود در خلیج فارس چند هدف بزرگ را دنبال کند: تقویت حاکمیت خود بر جزایر و حفظ تمامیت ارضی آن؛ توسعه پایدار و امنیت پایدار به‌منظور تثبیت سکنه و جذب اکوتوریسم؛

احداث، توسعه و بهینه‌سازی زیرساخت‌ها به منظور جذب اکوتوریسم؛ هدر نرفتن منابع اقتصادی با هزینه‌کردن در ساخت جزایر مصنوعی حتی در قالب کنارگذر ساحلی؛ جایگزین کردن جزایر طبیعی در برنامه‌های کلان توسعه به جای جزایر مصنوعی احتمالی در طرح‌ها (عابدی درچه و براتی، ۱۳۹۳: ۱۲). از سوی دیگر، جزایر ایرانی در خلیج فارس را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. جزایر مسکونی شامل جزایر قشم، کیش، هرمز، هنگام، لارک، لاوان، بوموسی، هندورابی، تنب بزرگ، تنب کوچک، سیری، فارور بزرگ، فارسی، خارک و خارکو ۲. جزایر غیر مسکونی شامل جزایر فرورگان، شیدور، عباسک یا شیف، ام‌الکرم، نخیلو، جبرین، ام‌سیله - گرم، بونه، دارا، قبرناخدا، خرو، مولیات، سه‌دندون، مٹاف، مُرغی، میرْمُهَنَّا و چراغی (نوربخش، ۱۳۶۹). از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران در شمال خلیج فارس و دریای عمان با ۲۰۴۵ کیلومتر مرز دریایی بیشترین سهم را به خود اختصاص داده و با بیشترین جزیره طبیعی از مزیت‌های زیادی برخوردار است (عابدی درچه و احمدی، ۱۴۰۰: ۷)؛ بنابراین جمهوری اسلامی ایران با مدنظر قراردادن حکمرانی مبتنی بر پایداری محیط زیست دریایی و سواحل خلیج فارس و دریای عمان در مرزهای آبی، جزایر و آب‌های داخلی خود، وظیفه دیگری هم برعهده دارد. این وظیفه عبارت است از حکمرانی فراملی و منطقه‌ای بر این پهنه آبی که برخی همسایگان در حال تخریب و آلوده کردن آن هستند. بر همین اساس وظیفه ذاتی و منطقی حکمرانان است، تا با استفاده از همه ظرفیت‌های قانونی این بحران و چالش محیط زیستی را بر مبنای الزامات موجود کنترل و خنثی کنند. حکمرانان جمهوری اسلامی ایران در بخش محیط زیست با استناد به فصل چهارم اقتصاد و امور مالی قانون اساسی در دو اصل ۴۵ و ۵۰ موظف به پیگیری و پاسداری از پایداری محیط زیست خلیج فارس و دریای عمان هستند. در اصل ۴۵، قانون‌گذار آورده است: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و دیگر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید». هم‌چنین در اصل ۵۰ آورده است: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است»

(منصور، ۱۳۹۳: ۵۱ - ۴۹). بر همین اساس رویارویی با اقدامات اقتصادی و گردشگری کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در رابطه با احداث و توسعه جزایر مصنوعی وظیفه قانونی حکمرانان جمهوری اسلامی ایران است. از سوی دیگر در فصل دهم، سیاست خارجی اصول ۱۵۲ و ۱۵۳ قانون اساسی، دستگاه سیاست خارجی را موظف به تأمین استقلال، عزت و اقتدار ملی در حفظ منابع طبیعی و تمامیت ارضی کشور کرده است. هم‌چنین در بند چهارم سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور در افق ۱۴۰۴، بهره‌مندی از محیط زیست مطلوب به‌عنوان یک محور اساسی آمده است. هم‌چنین در ۲۶ آبان‌ماه ۱۳۹۴ امام خامنه‌ای در ابلاغ سیاست‌های کلی محیط زیست در بند اول به «مدیریت جامع، هماهنگ و نظام‌مند منابع حیاتی از قبیل هوا با افزایش ظرفیت‌ها و توانمندی‌های حقوقی و ساختاری مناسب همراه با رویکرد مشارکتی مردم» اشاره کردند. در بند دوم به «ایجاد نظام یکپارچه ملی محیط زیست» تأکید کردند. در بند چهارم بر «پیشگیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیرمجاز و جرم‌انگاری تخریب محیط زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان محیط زیست و الزام آنان به جبران خسارت» اصرار دارند. در بند پانزدهم موضوع «تقویت دیپلماسی محیط زیست را با تلاش برای ایجاد و تقویت نهادهای منطقه‌ای برای رویارویی با گرد و غبار و آلودگی‌های آبی» مطرح می‌کنند. هم‌چنین ایشان «توسعه مناسبات و جلب مشارکت و همکاری‌های هدفمند و تأثیرگذار دوجانبه، چندجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه محیط زیست» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۰۸/۲۶) را از جمله برنامه‌های اصلی دستگاه سیاست خارجی معرفی می‌کنند. از طرف دیگر در فصل دوم «سند ملی محیط زیست جمهوری اسلامی ایران» در ذیل ویژگی‌های الگوی محیط زیست در بند دوم به درون‌نگری و برون‌نگری توأم اشاره شده است. در این متن آمده است: محیط زیست، موهبتی فرصت‌ساز و در عین حال امانت بین نسلی است. وابسته‌نبودن محیط زیست به مرزهای جغرافیایی و تأثیرپذیری تغییرات خارج از مرزها، سبب شده است که در کنار توجه به درون برای استفاده بخردانه از محیط زیست، برون‌نگری و تعامل فعال بین‌المللی با تأکید بر منطقه نیز برای جلوگیری از تخریب محیط زیست منطقه‌ای و جهانی مورد توجه قرار گیرد (سند ملی محیط زیست ج.ا.ا، ۱۳۹۱: ۷). هم‌چنین در فصل چهارم در ذیل راهبردها و اقدامات ملی در جزء بند (ب) اقدامات ملی راهبردها در بخش مدیریت آب‌های مرزی و دریاها در بند ۱۳ آمده است: «مشارکت فعال در پایش و اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی محیط زیستی درباره دریاها، مازندران، عمان و خلیج فارس» (سند ملی

هزینه و توجه به بازده عملکرد نیز مورد توجه قرار می‌گیرد (پورعزت، ۱۳۹۱: ۲۷۰). بدین ترتیب، در صورت توسعه حکمرانی متعالی، جامعه‌ای متعالی شکل می‌گیرد؛ جامعه‌ای آگاه، جدی، مستقل و مراقب. این مهم مستلزم جهاد در همه ارکان و احوال زندگی است. جهادی که حتی در حفظ شرایط اقتصادی و اجتماعی نیز متجلی می‌شود (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳). حکمرانی متعالی باید چهار ویژگی ضروری و مهم (استقلال، آگاهی، جدیت و استمرار در انتخاب) را برای آحاد جامعه مهیا کند (پورعزت، ۱۳۹۱: ۲۸۸ - ۲۸۷). بر همین اساس متفکرین اسلامی هر کدام ویژگی‌های مطلوبی را برای حکمرانی متعالی، شایسته و خوب در جامعه بیان کرده‌اند. «شیخ طوسی، تأمین و حفظ مصالح عمومی، برقراری نظم و امنیت، گسترش عدالت اجتماعی، تأمین رفاه نسبی و عمومی جامعه را از آرمان‌های حکمرانی خوب می‌داند. فیض کاشانی، اهدافی چون عدالت‌ورزی، تأمین رفاه و آسایش، تعلیم و تربیت، مشورت در میان مردم را مورد توجه قرار می‌دهد.» (ناظمی‌اردکانی، ۱۳۹۱: ۶۸)؛ بنابراین مؤلفه‌ها و عناصر حکمرانی متعالی از دیدگاه اندیشمندان مسلمان عبارت است از: ایمان، معنویت، تقوا و اخلاق محوری؛ بصیرت دینی، آگاهی سیاسی، علم و فناوری و پژوهش؛ حاکمیت دین، عقل و قانون در جامعه؛ مردم‌سالاری دینی و نظارت مردمی و نهادی؛ مشارکت مردم، مشورت‌پذیری و تصمیم‌گیری منطقی با اتکال به خداوند؛ شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی؛ امانت‌داری، وفای به عهد و مبارزه با فساد؛ انصاف، عدالت‌محوری قضایی، قومی، نژادی و مذهبی؛ تأمین استقلال، آزادی، امنیت و استکبارستیزی همراه با عزت ملی؛ تعاون، همکاری، تأمین رفاه عمومی با خدمت‌رسانی به آحاد مردم جامعه؛ که البته آنها را می‌توان از سرفصل‌های اساسی حکمرانی متعالی معرفی کرد و از هر عنوان جزئیاتی بیشتر استخراج کرد (عابدی درچه، ۱۳۹۹: ۲۴۳). براساس ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی متعالی، حکمرانان جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارند با حاکمیت دین، عقل و قانون در جامعه بر مبنای اصول ۴۵ و ۵۰ قانون اساسی، با نظارت نهادی و مسئولیت‌پذیری در برابر آینده خلیج فارس و دریای عمان، با امانت‌داری از محیط دریایی خلیج فارس برای ملت و آیندگان، با مبارزه با فساد در محیط زیست دریایی، با وادار کردن حکمرانان متخلف کشورهای همسایه برای پاسخگویی در برابر آلوده‌سازی محیط آبی خلیج فارس، با تأمین استقلال سیاسی و عزت ملی در سیاست خارجی، با برقراری انصاف و عدالت در استفاده عادلانه از محیط زیست دریایی در برابر فعالیت‌های خرابکارانه همسایگان، ایستادگی کرده و مسئولیت‌ها و وظایف حاکمیتی خود را انجام

دهند. هم‌چنین حکمرانان در مقیاس جهانی، بین‌المللی و منطقه‌ای براساس قوانین جهانی حفاظت از محیط زیست دریایی و یا تأسی به قوانین حکمرانی خوب غرب یا حکمرانی متعالی اسلام در برابر چنین اقداماتی از خود واکنش لازم را نشان دهند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از چالش‌های محیط زیستی در منطقه خلیج فارس، احداث جزایر مصنوعی در این پهنه آبی است. حکمرانی ضعیف و منفعلانه مسئولان و پاسخگویان در مقیاس‌های گوناگون جغرافیایی، سبب تشدید بحران آلودگی محیط زیست در این زیست‌بوم طبیعی شده است. به نظر می‌رسد چالش‌ها و بحران‌های حکمرانی متعالی مبتنی بر پایداری در محیط زیست خلیج فارس و دریای عمان در چند مقیاس در قالب الزامات محیطی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قابل پیگیری است. در مقیاس جهانی و بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، سازمان بهداشت جهانی و دیگر نهادهای بین‌المللی، باید نقش حکمرانی خود در زمینه حکمرانی مبتنی بر پایداری محیط زیست را در مناطق گوناگون جهان و به‌طور خاص منطقه خلیج فارس و دریای عمان در برابر توسعه ناپایدار و احداث جزایر مصنوعی توسط کشورهای عربی انجام دهند. در مقیاس منطقه‌ای سازمان منطقه‌ای حفاظت از محیط زیست دریایی (راپمی) در خلیج فارس مسئولیت این صیانت را بر عهده دارد. در این سازمان، کشورهای امارات متحده عربی (در قالب شیخ‌نشین‌های ابوظبی، دبی، شارجه، عجمان، ام‌القوین، رأس‌الخیمه و فجیره)، قطر، عمان و بحرین به‌عنوان ناقضان حقوق همسایگان و کشورهای هم‌مرز با خلیج فارس و دریای عمان، موظف به پاسخگویی در برابر اقدامات تخریبی خود در این منطقه جغرافیایی به دیگر اعضا (جمهوری اسلامی ایران، کویت، عراق و عربستان) هستند. در مقیاس ملی بر مبنای اصول ۴۵، ۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳ قانون اساسی، سیاست‌های کلی محیط زیست ابلاغی از طرف امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در ۲۶ آبان‌ماه ۱۳۹۴، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله در افق ۱۴۰۴، سند ملی محیط زیست تهیه‌شده در سال ۱۳۹۱ از جمله اسناد بالادستی حکمرانان جمهوری اسلامی ایران برای پاسداری از پایداری محیط زیست خلیج فارس و دریای عمان است.

از طرف دیگر، حکمرانی مبتنی بر پایداری از دیدگاه اندیشمندان غربی، تقریباً از همان اصول حاکم بر رویکرد حکمرانی خوب پیروی می‌کند. از همین رو، این اصول با نگرشی مادی‌انگارانه و

با دیدگاهی متأثر از ساحت دنیوی انسان‌ها بر پایداری محیط زیست متمرکز می‌شود. حال اینکه محیط زیست و جانداران آن بخشی از دنیای زنده هستند که نه فقط انسان‌ها، بلکه همه حیوانات، گیاهان و موجودات زنده در طبیعت حقوقی دارند، که انسان‌ها موظف به حفظ و احترام به آنها هستند. وجه تمایز اصول حکمرانی خوب و حکمرانی مبتنی بر پایداری با نگرش غربی با حکمرانی متعالی از نگاه اسلام همین تک‌ساحتی‌بودن دیدگاه غربی و دوساحتی‌بودن دیدگاه اسلامی است.

بنابراین، براساس ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی متعالی، حکمرانان جمهوری اسلامی ایران موظفند با حاکمیت دین، عقل و قانون در جامعه بر مبنای اصول قانون اساسی با رویکرد محیط زیست، با نظارت نهادی و مسئولیت‌پذیری در بابر آینده خلیج فارس و دریای عمان، با امانت‌داری از محیط دریایی خلیج فارس برای ملت و آیندگان، با مبارزه با فساد در محیط زیست دریایی، با وادار کردن حکمرانان متخلف کشورهای همسایه برای پاسخگویی در برابر آلوده‌سازی محیط آبی خلیج فارس، با تأمین استقلال سیاسی و عزت ملی در سیاست خارجی، با برقراری انصاف و عدالت در استفاده عادلانه از محیط زیست دریایی در برابر فعالیت‌های خرابکارانه همسایگان ایستادگی کرده و مسئولیت‌ها و وظایف حاکمیتی خود را انجام دهند. هم‌چنین حکمرانان در مقیاس جهانی، بین‌المللی و منطقه‌ای براساس قوانین جهانی حفاظت از محیط زیست دریایی و با تأسی به قوانین حکمرانی خوب غرب یا حکمرانی متعالی اسلام در برابر چنین اقداماتی از خود واکنش لازم را نشان دهند.

فهرست منابع

- امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سیدعلی (۱۳۹۶)، ابلاغ سیاست‌های کلی محیط زیست در تاریخ ۱۳۹۶/۰۸/۲۶؛ قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۳۱۴۲۲>
- سایت رسمی سازمان حفاظت محیط زیست: www.doe.ir/portal/home/?۱۱۳۸۴۸/ropme
- ابوالحسنی، الهه (۱۳۹۱). حکمرانی مردم‌سالارانه، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۲، شماره ۱، بهار: ۱۹ - ۱.
- امیدی، علی (۱۳۸۶). حقوق بین‌الملل و ساخت جزایر مصنوعی، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۳۸ - ۲۳۷.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۱). عدالت زبانی، نقطه عطف روایت عدالت در نهج البلاغه، تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
- پورعزت، علی اصغر؛ کیانی، پاکنوش، پورعزت، زینب (۱۳۹۴). خط‌مشی‌گذاری مالی در حکمرانی متعالی از منظر نهج البلاغه، فصلنامه نهج البلاغه، شماره ۴۶، پاییز: ۷۴ - ۵۱.
- حق شناس، علی محمد و همکاران (۱۳۷۹). فرهنگ معاصر هزاره، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- زارعی، بهادر؛ احمدی، سیدعباس؛ پیشگاهی فرد، زهرا و عابدی درچه، محسن (۱۳۹۹). مقایسه تطبیقی حکمرانی متعالی در اسلام و حکمرانی خوب در غرب، دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی، ۲۰ آبان‌ماه، دانشگاه عالی دفاع ملی: ۲۲ - ۱.
- زاهدی، شمس‌السادات و ابراهیم‌پور، حبیب (۱۳۸۵). حکمرانی پایدار ضرورتی برای توسعه پایدار، فصلنامه اقتصاد و مدیریت، شماره ۳.
- زاهدی، شمس‌السادات و حبیب ابراهیم‌پور (۱۳۹۱). حکمرانی مبتنی بر پایداری (با تأکید بر حفاظت محیطی)، چاپ اول، پاییز، تهران: سمت.
- زهیری، علیرضا (۱۳۹۷). درآمدی بر مسئله کارآمدی در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، زمستان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- سند ملی محیط زیست (۱۳۹۱). سند ملی محیط زیست جمهوری اسلامی ایران، آبان‌ماه: ۱۶ - ۱.
- شریف‌زاده، فتاح و قلی‌پور، رحمت‌اله (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت، فصلنامه فرهنگ مدیریت، سال اول، شماره ۴.
- عابدی درچه، محسن (۱۳۹۸). الزامات بسط و کاربست تدابیر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در تحقق تمدن نوین اسلامی، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: الگوی پیشرفت؛ پیشران‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق، ۲۲ و ۲۳ خردادماه، تهران: دانشگاه تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: ۵۳ - ۳۸.

عابدی درچه، محسن (۱۳۹۹). الگویابی حکمرانی مطلوب به‌منظور ارتقای اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری در رشته جغرافیای سیاسی، اساتید راهنما: دکتر بهادر زارعی و دکتر سیدعباس احمدی، استادان مشاور: دکتر زهرا پیشگاهی‌فرد و دکتر علی‌اصغر پورعزت، پردیس البرز دانشگاه تهران.

عابدی درچه، محسن و براتی، علیرضا (۱۳۹۳). پیامدهای احداث جزایر مصنوعی و احیای جزایر طبیعی بر توسعه پایدار خلیج فارس، اولین کنفرانس ملی جغرافیا. گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار، دانشگاه تهران.

عابدی درچه، محسن و سیدعباس احمدی (۱۴۰۰). نقش و مسئولیت محیط زیستی رایمی در قبال توسعه پایدار خلیج فارس (مطالعه موردی: احداث جزایر مصنوعی)، فصلنامه پژوهش‌های محیط زیست، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران، دوره ۱۲، شماره ۲۳، بهار و تابستان: ۱۴ - ۱.

مستوفی‌الممالکی، رضا و رستم‌گورانی، ابراهیم (۱۳۸۸). توسعه جزایر خلیج فارس با تأکید بر صنعت گردشگری: مورد جزیره هرمز، مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۷، گرمسار، تهران. مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.

معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین (یک جلدی)، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ‌نما.

منصور، جهانگیر (۱۳۹۳). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ صد و نهم، تهران: نشر دوران.

ناظمی‌اردکانی، محمد (۱۳۹۱). حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، فصلنامه راهبرد «یاس»، شماره ۳۱، پاییز: ۸۸ - ۶۴.

نوربخش، حسین (۱۳۶۹). جزیره قشم و خلیج فارس، تهران: انتشارات امیرکبیر.

هداوند، مهدی (۱۳۸۴). حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر، حقوق اساسی، شماره ۴: ۸۶ - ۵۱.

وفایی، منصور و الوندی، فاطمه (۱۳۹۴). پیامدهای منفی تأسیس جزایر مصنوعی امارات در خلیج فارس از منظر حقوق بین‌الملل دریاهای، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۸۳، پاییز: ۲۴۳ - ۲۲۵.

ویسی، هادی (۱۳۹۲). درآمدی بر دولت محلی، چاپ اول، تابستان، تهران: سمت.

Aras, Gu Ler and Crowther, David (۲۰۰۸), "Governance and Sustainability: An Investigation into the Relationship between Corporate Governance and Corporate Sustainability", Management Decision, Vol. ۴۶, No. ۳, pp. ۴۳۳-۴۴۸.

Bell, Stephan and Hindmoor, Andrew (۲۰۰۹), Rethinking Governance: The Centrality of the State in Modern Society, Cambridge University Press, Cambridge.

Clemens, Russell (۲۰۰۳), "Sustainable Governance for Sustainability: Internalising Sustainability With in a Public Service Context- Building Local Capacity", Curtin University of Technology of Western Australia.

Costanza, Robert (۱۹۹۸), "Principle for Sustainable Governance of the Oceans", <http://www.Sciencemag.org>

Johnson, I (۱۹۹۷). Redefining the Concept of Governance.

Martia, Sachiko & zaelke, Durwood (۲۰۰۰), Rule, Good Governance and Sustainable Development, United States, Washington, DC.

Rabionet, I (۲۰۰۸), Indicators for Evaluating the Impact of Artificial Islands on the Barcelona Coast, Coastal Management, Vol. ۳۶, No. ۳, PP. ۲۵۴- ۲۷۳.

Wiener, Jonathan (۲۰۰۰), "From Sustainable Development to Sustainable Governance", Law School and Nicholas School of the Environment, Duke University.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی